قابلیت تعدد قرائات در رسم‌الخط قرآن

دیروز عرض کردم که خدای متعال خالق همه زبان‌ها است. خالق همه خط‌ها است. خط فینیقی از قدیم بوده. قبلاً بحث کردیم که خطوط اصلی خط فینیقی خطوطی بود که مصوت آن‌ها حرف بود. یعنی مثل انگلیسی امروز که حرکتش هم حرف بود. بعد تغییری کرد. قبلاً ما این‌ها را بحث کردیم. از خط فینیقی قدیم، خط نبطی شد. خیلی هم بحث کردیم که چرا این‌طور شد. در خط نبطی حرکات حروف مصوت را از بنیه کلمه، به در بردند. یعنی آن را اعراب کردند. مثلاً در ضرب به جای این‌که برای فتحه حرف بگذارند –کما این‌که در انگلیسی شما می‌نویسید «zaraba» و جور دیگری هم نمی‌توانید بخوانید- در خط نبطی و عربی این‌ها را حذف کردند.

خدای متعال خالق همه خط‌ها است. چه کار کرده؟ کتاب خودش را به زبانی آورده که پیامبر خودش به‌صورت وسیع اقراء کردند. آن رسم‌المصحفی هم که پایه اقرائات مخزن وحی است، پایه‌هایی است که ذو وجوه است. ذو وجوه عدیده که من هنوز از تصحیفات نخوانده‌ام. چقدر می‌توان یک آیه را بدون نقطه و اعراب بگذاری و چند جور خواند. خیلی جالب است، صفحه آن هم هست. یعنی الآن خدای متعال بین مسلمین مصحفی را گذاشته که ظرفیت بالایی دارد. این مصحف تمام قرائات صحیحه معتبره را سامان می‌دهد که سند دارد. همین‌طور از خودش در نیاورده و بین مسلمین ممکن نبود که یک چیزی همین‌طور جا بگیرد؛ یک کسی حرفی بزند و همه هم بگویند احسنت. اصلاً این‌طور نبود. وقتی مانوس می‌شویم می‌بینیم که یک چیز خنده‌داری بوده که یک دفعه یک قرائتی در بیاید.

اهل‌سنت مفصل دارند؛ جالب است که زهری گفته (اول من قرأ «ملک»، مروان[1]). زهری–آن محدث معروف؛ ابن شهاب- این را می‌گوید. علماء سنی می‌گویند زهری در عراق بوده، یعنی اگر تو اولین کسی بودی که در عراق از او شنیدی، تو در عراق «مالک» می شنیدی. چون در آن جا قرائت عاصم بود. مروان در مدینه بزرگ شده بود لذا قرائتش برای اهل مدینه بود. وقتی به آن جا رفت، دیدی «ملک» می‌خواند. و الا مروان یک دفعه قرآن را تغییر بدهد و هیچ کسی هم حرفی نزند و همه بگویند احسنت! در کتاب‌های شیعه و سنی هم بیاید! همانطور که مرحوم مجلسی در بحارالانوار فرموده‌اند که در روایات اهل البیت هر دوی آن‌ها آمده است. «و ان کان روایة مالک اکثر» ولی هر دوی آن‌ها آمده است. مرحوم محدث نوری در فصل الخطاب می‌گویند قرائت اصلی «ملک» است. ایشان این را ترجیح می‌دهند.

بنابراین وقتی ما ترجیح می‌گوییم، یعنی مطالبی را برای وجه این قرائت می‌آوریم. لذا قبلا عرض کرده ام؛ دیدی که روی یک چیزی خط می‌زنند؛ امروزه خیلی رسم شده؛ دو تصویر در کنار هم می‌گذارند و یکی از آن‌ها را خط می‌زنند و دیگری را علامت تأیید می‌گذارند. یعنی این غلط است و دیگری درست است.

شاگرد: این ترجیح به معنای صواب و ناصواب نیست.

استاد: نه، می‌خواهم این تعبیرها را بگویم. قبلاً هم گفتم دو کلمه را در کنار هم بگذار؛ التر‌جیح للقرائات و الحجه علی القرائات. روی اولی خط می‌زنید چون غلط است. و الحجه فی القرائات درست است. فرق اینها روشن است؟

شاگرد: یعنی اگر ترجیح را هم گفتند منظورشان همان حجت است.

استاد: احتجاج است بله، و لذا شما یک کتاب پیدا نمی‌کنید که ترجیح القرائة باشد. من تا به حال چنین اسمی ندیده ام. کسی که متخصص کار بوده بگوید کتابٌ فی ترجیح القرائات. این همه کتاب داریم؛ مخصوصاً در صد سال بعد از ابن مجاهد. اسم کتاب ابو علی فارسی چیست؟ الحجه للقرائات السبعه. ابن زنجویه که الحجه دارد. الاحتجاج هم مانعی ندارد.

شاگرد: احتجاج بر یک قرائت خاص.

استاد: بله، بگوییم که دلیل این چیست. توجیه نحوی، ادبی، لغوی آن‌ها چیست.

---

[1]تفسير ابن كثير ت سلامة (١/ ١٣٣) ؛ عن ابن شهاب: أنه بلغه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم وأبا بكر وعمر وعثمان ومعاوية وابنه يزيد بن معاوية كانوا يقرءون: {مالك يوم الدين} وأول من أحدث "ملك" مروان (6) . قلت: مروان عنده علم بصحة ما قرأه، لم يطلع عليه ابن شهاب، والله أعلم.

بازبینی #2
ایجاد شده 6 آوریل 2024 14:30:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 مه 2024 15:11:01 توسط ... .